

**امربه معروف و نهی از منکر
در اندیشه اسلامی**

جلد اول

مایکل کوک

ترجمه احمد نمایی

Cook, Michael Allen

کوک، مایکل آلن، ۱۹۴۰ -

امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی / مایکل کوک؛ ترجمه احمد نمایی. —

مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی، ۱۳۸۴. (شابک ج ۱) ISBN 964-444-823-5

ج ۲. (۱۰۶۳ ص.). (شابک دوره ۲ جلدی) ISBN 2 Vol set 964-444-850-2

عنوان اصلی

Commanding right and forbidding wrong in Islamic thought, 2002.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه: ص. [۹۴۳] - ۱۰۶۳؛ همچنین به صورت زیر نویس.

۱. اسلام و اخلاق. ۲. زندگی مذهبی -- شیعه. ۳. زندگی مذهبی. ۴. اسلام -- عقاید.

۵. اسلام -- فرقه ها. الف. نمایی، احمد، ۱۳۱۷ - ، مترجم. ب. بنیاد پژوهشهای

اسلامی. ج. عنوان.

۲۹۴/۶۱

ش ۲ ک ۹۲ / ۸ / BP ۲۲۷

۱۵۸۵۴ - ۸۴م

کتابخانه ملی ایران



امر به معروف و نهی از منکر

در اندیشه اسلامی ج ۱

مایکل کوک

ترجمه: احمد نمایی

چاپ یکم ۱۳۸۴ / ۱۰۰۰ نسخه

قیمت دوره ۲ جلدی: ۸۰۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ آستان قدس رضوی

بنیاد پژوهشهای اسلامی، صندوق پستی ۳۶۶ - ۹۱۷۳۵

تلفن و دورنگار واحد فروش بنیاد پژوهشهای اسلامی: ۲۲۳۰۸۰۳

فروشگاه های کتاب بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد: ۲۲۳۳۹۲۳، قم: ۷۷۲۳۰۲۹

شرکت به نشر، دفتر مرکزی (مشهد) تلفن ۷ - ۸۵۱۱۱۳۶، دورنگار ۸۵۱۵۵۶۰

Web Site: www.islamic-rf.org E-mail: info@islamic-rf.org

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۹	 سخن مترجم
۱۵	 پیشگفتار
۲۵	 یاد و سپاس
۲۹	 نقشه جهان اسلام

بخش اول: مقدمه

۳۳	 فصل ۱ زرگر مژو
۴۸	 فصل ۲ قرآن و تفسیر قرآن
۴۸	 ۱ - قرآن بدون مفسران
۵۴	 ۲ - تفسیر قرآن
۷۸	 فصل ۳ حدیث
۷۸	 ۱ - حدیث «سه مرحله‌ای»
۸۲	 ۲ - احادیث دیگر با نگرشی مثبت
۸۹	 ۳ - احادیثی با نگرش منفی
۱۰۰	 فصل ۴ کتابهای سیره (شرح احوال) مسلمانان صدر اسلام
۱۰۰	 ۱ - مقدمه
۱۰۷	 ۲ - رویارویی با حکومت
۱۳۲	 ۳ - رویارویی با جامعه
۱۵۱	 ۴ - دفاع از زندگی خصوصی
۱۵۴	 ۵ - بیان آخر

بخش دوم: حنبلیان

۱۵۹	 فصل ۵ ابن حنبل
۱۵۹	 ۱ - مقدمه

۶ ● امر به معروف و نهی از منکر

۱۶۴	۲ - تنوع گناهان
۱۶۹	۳ - زمینه گناهان
۱۷۱	۴ - واکنش نسبت به کارهای ناشایسته
۱۸۲	۵ - حکومت
۲۰۲	فصل ۶ حنبلیان بغداد
۲۰۲	۱ - مقدمه
۲۰۴	۲ - روش عملی حنبلیان
۲۲۳	۳ - بینش فکری حنبلیان
۲۳۹	۴ - بینش فکری و روش عملی
۲۴۸	فصل ۷ حنبلیان دمشق
۲۴۸	۱ - مقدمه
۲۵۷	۲ - ابن تیمیّه و نهی از منکر
۲۶۵	۳ - اندیشه سیاسی ابن تیمیّه
۲۶۷	۴ - حنبلیان دمشق پس از ابن تیمیّه
۲۷۹	فصل ۸ حنبلیان نجد
۲۷۹	۱ - مقدمه
۲۸۱	۲ - اولین دولت سعودی
۲۹۳	۳ - دومین دولت سعودی
۳۰۱	۴ - سومین دولت سعودی

بخش سوم: معتزلیان و شیعیان

۳۲۱	فصل ۹ معتزلیان
۳۲۱	۱ - مقدمه
۳۲۲	۲ - باورها نخستین مکتب اعتزال
۳۳۵	۳ - مکتب معتزلی کهن: آرای ماتکدیم
۳۵۴	۴ - معتزلیان کهن - آموزه‌های رقیب
۳۶۸	فصل ۱۰ زیدیه
۳۶۸	۱ - مقدمه
۳۶۹	۲ - باورهای زیدیه نخستین
۳۷۴	۳ - عمل‌گرایی زیدیه
۳۸۴	۴ - سنت فقهی زیدیه

۳۹۱	۵- هم زیستی زیدی - معتزلی
۴۰۱	۶- سنی‌گرایی زیدیّه
۴۰۷	فصل ۱۱ امامیه
۴۰۷	۱- مقدمه
۴۰۹	۲- حدیث امامیه
۴۲۴	۳- دانشمندان متقدم امامی
۴۵۴	۴- علمای امامی دوره‌های اخیر
۴۸۲	۵- پیوست: اسماعیلیّه

بخش چهارم: دیگر فرقه‌های اسلامی

۴۹۱	فصل ۱۲ حنفیان
۴۹۱	۱- مقدمه
۴۹۲	۲- حنفیان پیش از دولت عثمانی
۵۰۵	۳- شارحان دوران عثمانی
۵۱۶	۴- برکلی و وارثان او
۵۲۷	۵- حنفیان در اواخر دوره عثمانی
۵۳۲	۶- پیوست: جصاص

سخن مترجم

﴿كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ﴾ (آل عمران: ۱۱۰)

بحث امر به معروف و نهی از منکر از دیر باز مورد توجه متکلمان و فقیهان تمام فرقه‌های اسلامی بوده و از نظر وحی و عقل بر وجوب آن تأکید بسیار شده است. امام حسین علیه السلام سبط گرامی پیامبر برای برپا داشتن امر به معروف و نهی از منکر قیام کرد^۱ و شهادت مظلومانه او گواه راستینی بر اهمیت انجام این وظیفه است. شیعیان و شیفتگان خاندان عصمت و طهارت به هنگام زیارت مرقد مطهر آن بزرگوار و دیگر امامان معصوم پیوسته این جمله را تکرار می‌کنند: «شهادت می‌دهم که تو امر به معروف و نهی از منکر کردی».

در جامعه اسلامی نظارت و امر به معروف و نهی از منکر تنها وظیفه امامان و عالمان دین نیست، بلکه بر هر مسلمانی واجب است از خیرخواهی در حق دیگران دریغ نرزد و با تحقق شرایط، مردمان را با دست و زبان از کار ناشایست باز دارد و یا آن را در دل زشت شمارد. از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «من رأى منكم منكراً فليغيره بيده فان لم يستطع فليسانه فان لم يستطع فليقلبه ليس وراء ذلك شيء من الايمان» (مستدرک الوسائل ۱۲: ۱۹۲).

تنها فرهنگی که در طول زمان و در گستره جهان به طور جدی به بحث درباره این

۱ قال الحسين عليه السلام: «أني لم أخرج أشراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً وإنما خرجت لطلب الإصلاح في أمة جدي صلى الله عليه وآله، أريد أن آمر بالمعروف ونهي عن المنكر وأسير بسيرة جدي وأبي علي بن أبي طالب عليه السلام» (بحار الانوار، ۲۴: ۳۲۹).

وظیفه مهم دینی و اخلاقی پرداخته، اسلام است و دیگر فرهنگهای و ادیان الهی و آیین‌های غیر الهی در این موضوع بحثی نکرده و یا به طور گذرا از آن گذشته‌اند. اگر عالمان یهودی و مسیحی در این مورد سخنی گفته‌اند کمتر براساس کتاب مقدس و بیشتر متأثر از اسلام بوده است.

مایکل کوک مورخ و اسلام شناس غربی در سال ۱۹۴۰ در انگلستان به دنیا آمد. در دانشگاه کمبریج به آموختن تاریخ انگلستان و اروپا پرداخت، و علاوه بر زبانهای رسمی اروپایی و عربی، زبانهای فارسی و ترکی را نیز فراگرفت. چند سالی در مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی لندن سرگرم تحقیق و تدریس تاریخ اسلام بود. در سال ۱۹۸۶ به قصد تدریس در دانشگاه پرینستون امریکا، انگلستان را ترک کرد. بیشتر کتابهایی را که او نوشته مربوط به شکل‌گیری تمدن اسلامی و نقش دین در روند تکوینی آن بوده است. همچنین کتابهای دیگری در زمینه تفسیر، فقه، حدیث و تاریخ اسلام نوشته است. تنها نوشته او که به زبان فارسی ترجمه شده - غیر از این کتابی که ترجمه آن را در دست دارید - مقاله‌ای است با عنوان «مخالفان نگارش حدیث در صدر اسلام»^۲ که به صورت چند مقاله پی در پی در فصلنامه علوم حدیث به چاپ رسیده است.^۳ دانشجویانی از مذهب‌ها و ملیت‌های متفاوت پایان نامه دوره دکتری خود را در رشته‌های مختلف اسلام‌شناسی با راهنمایی او نوشته و روش دستیابی به منابع اصیل اسلامی را از او آموخته‌اند.

او پس از آگاه شدن از واقعه‌ای زشت و ننگین در یکی از خیابانهای شهر شیکاگو و نیز داستان دختری که با ضربات چاقو در جلو چشم مردم به قتل رسید و بی تفاوتی مردم نسبت به این گونه حوادث، می‌گوید: «آدمی نمی‌تواند فقط در کناری بایستد و ببیند زنی

2. Michael Cook, "The opponents of the writing of traditions in early Islam", in *Arabica*, Tome XLIV, fascicule 4, Octobre 1997 Leiden.

۳ مایکل کوک، «مخالفان نگارش حدیث در صدر اسلام»، ترجمه ابوالقاسم سرّی، در فصلنامه علوم حدیث، سال سوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۷، ۴۰ - ۴۷؛ شماره ۳، پاییز ۱۳۷۷، ۲۹ - ۸۱؛ شماره ۴، زمستان ۱۳۷۷، ۲ - ۴۶.

در منظر عام مورد تجاوز قرار می‌گیرد. ما احساس می‌کنیم به نوعی وظیفه داریم علاوه بر آن که خود باید به شایستگی رفتار کنیم، دیگران را نیز از ارتکاب کارهای کاملاً ناپسند نسبت به هموعان خود باز داریم.^۴ و در ادامه آن می‌افزاید «اما در زندگی روزمره، ما نامی برای این وظیفه نداریم. هنوز به تدوین کلی مواردی که باید آن را به کار ببریم و شرایطی که از انجام آن معافیم، پرداخته‌ایم. حقوق‌دانان و فیلسوفان ما بحثهایی دارند که ما در مواردی وظیفه‌ای برای «امداد» داریم، اما این بحث مهجورتر از آن است که به عنوان فرهنگ ما توصیف شود. اسلام، برعکس، نام و تعالیمی ویژه برای چنین وظیفه اخلاقی گسترده‌ای دارد و نام آن امر به معروف و نهی از منکر است.»^۵ سپس می‌گوید: «من چیزی در این مورد نمی‌دانستم تا این که ضمن تحقیقات اسلامی خود از آن آگاه شدم.»^۶

مایکل کوک با انگیزه شناخت این وظیفه در اسلام، پژوهشهای خود را آغاز می‌کند و با صبر و حوصله بسیار و با مراجعه به حدود ۱۷۰۰ کتاب و مقاله که بیش از ۱۳۰۰ مورد آن کتابهای اسلامی است و با مشورت با بسیاری از اسلام‌شناسان و مسلمانان - از جمله آیه الله دکتر حسین مدرسی - و با بیش از ۱۲ سال کار مداوم و استفاده از فرصتهای مطالعاتی و بورسیه‌های علمی موفق به نوشتن این کتاب می‌شود که شاید مفصل‌ترین کتابی باشد که تاکنون در این زمینه نوشته شده است. البته با نگاهی به فهرست مطالب کتاب و پیشگفتار نویسنده و مطالعه مقاله «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی» در مجله حکومت اسلامی^۷ دامنه کار و وسعت مطالبی که مورد بحث قرار گرفته است به خوبی آشکار می‌شود.

و من پیش از شروع به ترجمه، کتاب را از آغاز تا انجام خواندم. ابتدا کتابنامه را به

۴ ر.ک: پس از این، پیشگفتار ۱۷ و بعد.

۵ همان، ۱۹.

۶ همان ۱۸ و بعد.

۷ «امر به معروف و نهی از منکر در اندیشه اسلامی»، در حکومت اسلامی، شماره مسلسل ۳۳، سال نهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۳، ۲۳۷ - ۲۴۳.

فارسی برگرداندم که شرح آن در مقدمه کتابنامه آمده است. کتابهای مورد نیاز، مخصوصاً کتابهای عربی و فارسی را تا آن جا که ممکن بود با کمک همکاران عزیز کتابخانه بنیاد - که از زحمات یکایک آنان سپاسگزارم - فراهم کردم. پس از تمهید این مقدمات در بهار سال ۸۲ ترجمه را آغاز کردم. متن کتاب در مواردی سنگین و پیچیده بود که به لطف خداوند و کمک دوستان تصور می‌کنم هیچ ابهامی در فهم مطالب برایم باقی نماند. بعضی گره‌ها با مراجعه به منابع عربی و فارسی کتاب گشوده شد و بعضی را همکاران گروه‌های قرآن، حدیث، فقه، کلام، ترجمه زبان عربی و زبانهای اروپایی گشودند که از محبت و راهنمایی همه آنان تشکر می‌کنم. در این ترجمه هیچ مطلبی را از قلم نینداختم و چیزی بر کتاب نیفزودم، مگر جمله‌های توضیحی یا دعایی که آن را نیز در داخل [۱] آوردم. برای دستیابی آسان پژوهشگران و ناقدان به متن انگلیسی، شماره صفحه‌های متن اصلی را نیز در داخل [۱] قرار دادم.

چند فصل از این ترجمه را آقای سید سعید ارجمند هاشمی و چند فصل را آقای سید جلال قیامی میر حسینی و بقیه - فصل ۹ (معتزلیان) تا آخر کتاب - را آقای جواد قاسمی ویرایش کردند که تیزبینی و نکته‌سنجیهای این بزرگواران قابل تقدیر و سپاسگزاری است. آقای حبیب الشمری امکان دسترسی مرا به بعضی از متون عربی فراهم کردند که از ایشان تشکر می‌کنم. آقای سید رضا سیادت مدیر گروه نمونه‌خوانی و همکارانشان نکاتی را یادآوری کردند. آقای احمد پهلوانزاده کتاب را با دقت و حوصله حروف چینی کردند. آقایان سید مسعود فرهنگ و همکاران در طرح جلد و آقایان حسن آرام و احمد کفاشیان در بهبود کیفیت چاپ کوشش کردند که سپاسگزار زحمات همه این دوستان می‌باشم. جناب حجة الاسلام والمسلمین آقای رسول جعفریان کتاب را برای ترجمه معرفی کردند و آیه الله دکتر حسین مدرسی، همکار دانشگاهی نویسنده کتاب در سال ۸۲ به ایران آمدند و در فرصتی کوتاه چند صفحه‌ای از کتاب را که تا آن زمان ترجمه کرده بودم به نظر ایشان رساندم و نکات سودمندی را یادآوری فرمودند، از راهنمایی‌های ارزنده این دو بزرگوار تشکر می‌کنم. بیش از همه خود

سخن مترجم ● ۱۳

را سپاسگزار حجة الاسلام والمسلمین آقای علی اکبر الهی خراسانی می دانم که اگر حمایت های مادی و معنوی ایشان نبود این ترجمه هرگز به سامان نمی رسید.
و شکر و سپاس بی حد و عدد سزاوار خداوند یکتایی است که سلامت و توفیق ترجمه این کتاب عطا فرمود و هر چه هست از اوست و جز او یاور و معبودی نیست.

مشهد بهار ۱۳۸۴

احمد نمایی

www.ketab.ir

پیشگفتار

[ix] شامگاه روز پنجشنبه ۲۲ سپتامبر ۱۹۸۸ در ایستگاه قطار شهری شیکاگو در حضور جمعی از مردم، زنی مورد تجاوز قرار گرفت.

گزارش کوتاهی از این حادثه، بر اساس گفته‌های پلیس در روز جمعه در روزنامه نیویورک تایمز^۱ روز یکشنبه به چاپ رسید. نکته شایان توجه در آن گزارش، این بود که هیچ کس برای کمک به قربانی از جای خود حرکت نکرد، با وجود این که این تجاوز در ساعتهای پر رفت و آمد روز انجام شد. فریادهای زن بی پاسخ ماند. به طوری که کارآگاه «دیزی مارتین» بیان کرده: «چندین نفر به آن صحنه می‌نگریستند و زن از آنها کمک خواست، اما هیچ کس به او پاسخی نداد.»

گزارش مفصل‌تری - همانند آن که روز یکشنبه در روزنامه شیکاگو تریبون^۲ به چاپ رسید، بازتاب این حادثه را در جهت دیگری قرار داد. ضمن نقل گفته‌های پلیس در روز شنبه، مقاله با این عبارت شروع می‌شد: «شش نفر از رهگذران به سبب همکاری با پلیس - برای شناسایی و دستگیری مظنون این حادثه - جایزه شهروندی گرفتند.» ادامه گزارش بر دو مسئله، در مورد این وضعیت تأکید می‌کرد که در روزنامه نیویورک تایمز نیامده بود. نخست آن که این تجاوز در بخشی از ایستگاه انجام گرفته بود که به سبب وجود نرده‌گردان یک طرفه، امکان ورود به آن جایگاه نبود. دیگر آن که رهگذران در

۱ The New York Times (نیویورک تایمز)، ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۸، ۳۳.

۲ The Chicago Tribune (شیکاگو تریبون)، ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۸، بخش ۱/۲. همه آگاهیه‌های بیشتر در مورد این حادثه برگرفته از این گزارش است.

فهم آنچه رخ می داد، سر درگم شده بودند: تجاوزگر به قربانی خود دستور داده بود لبخند بزند و او چنین کرد. بنا بر آنچه نقل شده، هر چند او یک بار کلمه «کمک» را بر زبان آورد، اما پس از فرار متجاوز بود که زن فریادهای کمک خواهی را سر داد. در ابتدا، رهگذران بر این باور بودند که آن زن با رضایت کامل به این عمل جنسی تن داده است. در هر صورت، یک رهگذر جوان به نام رندی کایلز نگاهی دوباره به صحنه انداخت و با خود گفت: «مرد! عجیب است. به نظر می رسد واقعه ای غیر عادی باشد.» از این رو هنگامی که قطار به ایستگاه رسید، او سوار نشد. (برعکس، دیگرانی که در ایستگاه بودند و توجه داشتند آنچه اتفاق می افتد غیر عادی است، سوار قطار شدند.) هنگامی که قربانی از پله ها بالا رفت و فریاد زنان می گفت که مورد تجاوز قرار گرفته است، کایلز به تعقیب [x] متجاوز پرداخت، جلو ماشین پلیس را گرفت و برای دستگیری متجاوز از آنها کمک خواست. کایلز بعداً کار خود را به این صورت بیان کرد: «برای کمک به آن زن باید کاری می کردم. احساس کردم این اتفاق کار درستی نبود. زن می توانست مادر، عمه، خاله یا یکی از دوستان مادرم باشد.»^۳

از این گزارشها چنین استنباط می شود که هیچ روزنامه ای، تجاوز جنسی در ایستگاه قطار شهری در شیکاگو را ذاتاً حادثه ای خبرساز نمی دانست. موضوع اصلی مورد توجه روزنامه نگاران - و موضوع اصلی مورد علاقه خوانندگان، رفتار رهگذران بود. گزارشی که در روزنامه نیویورک تایمز آمده بود و نیز براساس گفتار کارآگاه دیزی مارتین، رفتار رهگذران با خونسردی کامل نقل شده است. هر چند تعداد آنان بسیار بیشتر از این تجاوزگر تنها بود، اما آنها به سادگی در کناری ایستادند و اجازه دادند چنین حادثه ای اتفاق افتد. این گزارش رفتار آنان را تلویحاً شرم آور می دانست و واکنش خواننده حاکی از خشم بود. اگر ما در آن جا بودیم، چه می کردیم! یا دست کم مایل بودیم چه رفتاری داشته باشیم؟^۴

۳ من به نقش دیگران که پلیس آنها را احضار کرد، کاری ندارم. براساس این گزارش، رفتار آنان مبهم است.

۴ اما اگر متجاوز سلاحی یا خود داشت، چه می شد؟ نشانه ای برای مسلح بودن او وجود ندارد، هر چند

شیکانگو تریبیون، برعکس، گزارش داد که چند نفر از رهگذران و مخصوصاً کایلز رفتار درستی داشتند. آنان برای دخالت نکردن در زمان وقوع جرم، دو دلیل موّجه داشتند: وضعیت طبیعی ایستگاه و حالت رضایتی که لبخند اجباری زن ایجاد کرده بود. هر چند این دلایل کاملاً منطقی به نظر نمی‌رسید. هنگامی که وضع روشن شد، کایلز شخصاً با قدرت و شجاعت رفتار کرد. او احساس کرد برای کمک به آن زن باید کاری انجام دهد، درست همان‌گونه که اگر ما در آن جا بودیم همین احساس را داشتیم و امید داشتیم در چنان شرایط مبهمی به همان خوبی کایلز عمل می‌کردیم.

این دو گزارش، و گفته‌های مارتین و کایلز، شالوده یک اجماع کلی اخلاقی است.^۵ آدمی نمی‌تواند فقط در کناری بایستد و ببیند [xi] زنی، حتی زنی کاملاً ناشناس، در منظر

سابقه ارتکاب زورگیری را در پرونده داشت. او به سبب سرقت از یک زن و شکستن بینی او با یک بطری از ماه فوریه آن سال در زندان بود و هفته قبل از این حادثه، بواشر سهل‌انگاری اداری از زندان آزاد شده بود. او در هنگام تجاوز، قربانی خود را به همان صورت با یک بطری تهدید کرده بود. اما خطر روبه‌رو شدن با مردی مجهز به یک بطری سالم بسیار کمتر از خطر روبه‌رو شدن با مردی مسلح است. ۵ اما این که چگونه عده زیادی از مردم آمریکا در این اجماع اشتراک نظر دارند مسئله‌ای است که این جا جای بحث آن نیست. البته نمونه‌های زیادی همانند این حادثه‌ای که در نیویورک تایمز گزارش شده است، وجود دارد که رهگذران به آن می‌نگرند و هیچ کاری نمی‌کنند. نشانه بارزی از این بی‌حرکی قتل کیتی جنویز در جریان یک چاقوکشی در سال ۱۹۶۴ است که سی و هشت نفر شاهد این ماجرا بودند (ر.ک: M., Hunt, *The compassionate beast: what science is discovering about the humane side of humankind* (م. هانت، حیوان مهربان: اکتشافات علمی درباره جنبه انسانی نوع بشر)، نیویورک ۱۹۹۰، ۱۲۸ و بعد: کسی فریاد زد «دختر را تنها بگذارید» اما هیچ کار دیگری نکرد). اما تحقیقات روانشناسی اجتماعی حکایت از این دارد که این بی‌حرکی، محصول چیزی است که «رفتار رهگذر» نام گرفته است: حقیقتی که بیشتر مردم حاضر در صحنه جلو یکدیگر را می‌گیرند تا هیچ‌کس قدم جلو نگذارد (همان، ۱۳۲-۱۳۵؛ بسیار سپاسگزار رودا هوارد می‌باشم که مرا به خواندن این بحث تحقیقی در باره اِشارگری راهنمایی کرد). اگر در صدد پایه ریزی دامنه این اجماع آمریکایی بودیم، مسئله اصلی این نبود که آیا مردم در چنین موقعیتی اقدام می‌کنند بلکه این بود که در صورت اقدام نکردن تا چه اندازه احساس شرمساری می‌کنند.

عام مورد تجاوز قرار گیرد.^۶ او یا باید در این مورد کاری انجام دهد و یا برای انجام ندادن آن دلیل موجه قابل قبولی داشته باشد. به عبارت دیگر، ما احساس می‌کنیم به نوعی وظیفه داریم علاوه بر آن که خود باید به شایستگی رفتار کنیم، دیگران را نیز از ارتکاب کارهای کاملاً ناپسند نسبت به هموعان خود باز داریم.^۷

اما در زندگی روزمره، ما نامی برای این وظیفه نداریم، هنوز به تدوین کلی مواردی که باید آن را به کار ببریم و شرایطی که از انجام آن معافیم نپرداخته‌ایم. اهمیت کار در این جاست. اما این کاری نیست که فرهنگ ما آن را پرورده یا به آن سامان بخشیده باشد. حرف آخر کایلز این است: «احساس می‌کردم کار نادرستی بود». جمله «احساس می‌کردم» نشان می‌دهد حتی اگر او زیر فشار هم قرار می‌گرفت، حرف بیشتری برای گفتن نداشت. ما یا می‌فهمیم یا نمی‌فهمیم. البته ما به خوبی می‌فهمیم، و مردم، نیز می‌توانند در چنین موقعیتی موضوع را با شاخ و برگ بیشتری بیان کنند. اما فرهنگ ما تعریف خاصی برای این ادراک ندارد. درست است که حقوق‌دانان و فیلسوفان ما بحث‌هایی دارند که ما در چه مواردی وظیفه‌ای برای «امداد» داریم؛^۸ اما این بحث مهجورتر از آن است که به عنوان فرهنگ ما به تفصیل توصیف شود. رندی کایلز دقیقاً چیزی در این باره نشنیده بود و من نیز چیزی در این مورد نمی‌دانستم، تا این که ضمن تحقیقات

۶ از طرفی با وجود آن که رهگذران «مبهوت و شگفت‌زده» بودند، به نظر نمی‌رسید هنگامی که در کنار صحنه‌ای ایستاده بودند که دو نفر را در منظر عام مشغول عمل جنسی ببیند، با مشکلی روبه‌رو شده باشند، به فرض این که از عمل زورگیری با خبر نبودند. و نشانه‌ای در دست نیست که مفسران بعدی، احساس متفاوتی داشته باشند. همه فرهنگها چنین نظری ندارند.

۷ امتیاز خاصی را که مارگرت گیلبرت توجهم را به آن جلب کرد، به عمد مبهم می‌گذارم. آیا این وظیفه ناشی از این حقیقت است که متجاوز کار زشتی انجام می‌دهد، یا قربانی مورد تجاوز قرار گرفته است؟ نظر خود کایلز در این مورد روشن نیست او احساس کرد برای کمک به آن زن باید کاری می‌کرد. با وجود این آنچه او در حقیقت انجام داد به این امتیاز باز می‌گردد (ر.ک: پس از این فصل ۲۰، بخش ۲).

۸ برای مثال ر.ک: J. Feinberg, *The moral limits of the criminal law*, (ج. فاینبرگ، مرزهای اخلاقی و قانون جزا)، نیویورک و آکسفورد ۸ - ۱۹۸۴، ج ۱، فصل ۴: T.C.Grey, *The legal enforcement of morality*, (ت.س. گری، تأکید قانون بر نظام اخلاقی)، نیویورک ۱۹۸۳، فصل ۴.

اسلامی خود از آن آگاه شدم.

اسلام، برعکس، نام و تعالیمی ویژه برای چنین وظیفه اخلاقی گسترده‌ای دارد. نام آن «امر به معروف و نهی از منکر» همچون ترجمه تحت اللفظی آن «سفارش به کار نیک و بازداشتن از کار زشت» تا اندازه‌ای سنگین است. بنابراین در پانوشته‌های کتاب که بیشتر به کار مردم فاضل و فرهیخته می‌آید برای سهولت جمله عربی «امر به معروف» را به، کار خواهم برد و در متن کتاب تا آن جا که ممکن است سعی خواهم کرد از تحمیل این جمله خالص عربی بر خوانندگان خودداری کنم و از [xii] این وظیفه معمولاً به صورت «نهی از منکر» نام خواهم برد. این جمله زیباتر از «امر به معروف» به نظر می‌رسد.^۹

۹ گاهی بر تفاوت بین «امر به معروف» و «نهی از منکر» تأکید می‌شود. ولی این یک استثناست؛ نه قاعده. میبیدی (نویسنده در سال ۵۲۰) در این مورد گفتار غیر مستندی نقل می‌کند که «نهی از منکر» وظیفه‌ای سنگین‌تر از «امر به معروف» است (کشف الاسرار، تهران، ۱۳۳۱-۹، ش ۲: ۹/۲۳۴ ذیل آیه ۱۰۴ آل عمران) در مورد این کتاب ر.ک: پس از این، فصل ۲، یادداشت ۲۳؛ ابویعلی بن فراء (۴۵۸د) به اختلاف بین این دو قائل است (ر.ک: پس از این فصل ۶، یادداشت ۱۲۷)؛ از طرفی طبرسی (۵۴۸د) مفسری امامی ذیل آیه ۱۱۲ توبه بیان می‌کند که «امر به معروف» شامل «نهی از منکر» نیز می‌باشد چنان که گویی این دو امری واحدند (کأنهما شيء واحد) (مجمع البیان فی تفسیر القرآن، قم ۱۴۰۳، ۳: ۱۴/۷۶)؛ نیز قس: کمال الدین بن زملکانی (۷۲۷د) در تحلیل لغوی ذیل آیه ۱۱۲ بقره؛ از آن جا در تاج الدین شبکی (۷۷۱د)، طبقات الشافعية الکبری، به اهتمام م.م. طناحی و ع.م. حلو، قاهره ۱۹۶۴-۷۶، ۲/۲۰۳: ۹؛ کرکی امامی (۹۴۰د) (فوائد الشرائع، نسخه خطی، پرینستون، نسخ خطی عربی، مجموعه جدید ۶۹۵، برگ ۱۵/۸۱۳۸؛ در مورد این نسخه خطی ر.ک: R. Mach, and E.L. Ormsby, *Handlist of Arabic manuscripts (New Series) in the Princeton University Library* (ر. ماخ و ا.ل. اورمزی، فهرست نسخه‌های خطی عربی (مجموعه جدید) در کتابخانه دانشگاه پرینستون)، پرینستون ۱۹۸۷، ۳۰۰، ش ۱۳۳۲)؛ علی قاری حنفی (۱۰۱۴د) (شرح عین العلم، قاهره ۱۳۵۱-۳، ۱: ۲۷/۴۳۳)؛ و نظر ابن تیمیّه پس از این، فصل ۷، یادداشت ۶۹)؛ در مورد بحث عالمان متأخر در این مسئله که آیا «نهی از منکر» را می‌توان جمله‌ای هم عرض «امر به معروف» دانست زیرا «امر به شیء» برابر است با نهی از متضاد آن؛ ر.ک: عبدالباقی زرقانی (۱۰۹۹د)، شرح قاهره ۱۳۰۷، ۳: ۹/۱۰۹؛ و بیانی (۱۱۶۳د)، حاشیه در هامش شرح زرقانی، ۱/۱۰۹: ۳؛ این بحث بر می‌گردد به حذف «نهی از منکر» در خلیل بن اسحاق (۷۶۷د)، مختصر، به اهتمام ط.ا. زاوی، قاهره بی‌تا، ۵/۱۱۱؛ نیز ر.ک: به داستانی که پس از این، فصل ۱۳۷، ۴ نقل شده که یکی از محدثان می‌کوشد با اثبات تمایز از این بحث خارج شود.

وجود و ماهیت این وظیفه برای اسلام شناسان کاملاً معلوم است و از جهاتی مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته و موضوع یک مقاله مختصر اما پر بار دائرة المعارفی است.^{۱۰} هدف من این است که مطالبی برای نوشتن تک نگار کاملی درباره نهی از منکر فراهم آورم.^{۱۱} لازم است در آغاز کار روشن کنم که ذوق و علاقه من به وظیفه فردی مؤمنان مربوط می شود؛ جایگاه حاکمان در نهی از منکر، یا مأموران حکومتی «محتسب» و وظایف حکومتی آنان «حسبه» تنها در حاشیه مورد بحث قرار گرفته است.

نخستین هدف کتاب، بیان گزارش ساده‌ای است در مورد این وظیفه، بنا بر آنچه در متون اسلامی آمده است. از یک جهت این کار [xiii] یکنواخت نسبتاً ساده به نظر می‌رسد. گزارشی کلی در مورد این وظیفه بیش از چند صفحه از یک کتاب نخواهد بود، اما اینها مانند بحثهای خشک و انتزاعی درباره صفات الهی و یا گفت و گوهای پیچیده در مورد قانون ارث نیست. آنچه این تحقیق را پیچیده و وقت گیر می‌کند، این حقیقت است که این گونه روایات، بسیار و عقایدی که بیان می‌کند، عاری از وحدت است. این آرا بر حسب زمان و مکان و از فرقه و مذهب و عالمی تا عالم دیگر متفاوت است. نگاهی به فهرست مندرجات کتاب نشان می‌دهد که من مجموعه‌ای از مطالب را بر حسب فقه و مذهب انتخاب کردم، در درون هر فرقه و مذهب بر حسب زمان تقسیم‌بندی شده است. همه خوانندگان شاید نخواهند تمام مطالب کتاب را بخوانند، اما کسانی که مایل به

۱۰. *Encyclopaedia Iranica* (دانشنامه ایران = ایرانیکا)، لندن ۱۹۸۲ -، مقاله «امر به معروف» (و). مادلونگ). در *دائرة المعارف اسلام*، چاپ اول و ویرایش دوم و متممهای آن تاکنون مقاله‌ای در مورد «امر به معروف» نوشته نشده است.

۱۱. اصولاً همه تبیینهایی که اسلام از این ارزش اخلاقی دارد - بدون عنایت به این که چگونه بیان شده است - توجه دارم. هر جا جمله «امر به معروف» در این موضوع آمده با دقت بیشتری به آن پرداخته‌ام و به عمد در مواردی که «عَرَّ» به کار رفته است، تفاوتی نگذاشته‌ام. (ر.ک: پس از این، فصل ۳، ۸۱)، اما این کاربرد، بسیار مشکل‌تر از آن است که بتوان آن را در یک صفحه کتاب جست. من به مواردی که مطالبی در این باره ندارد، توجه کمتری داشته‌ام. به عبارت دیگر، ممکن است روشهای واژگانی عملی همیشه نتواند از عهده تبیین آرمانهای ذهنی اخلاقی من بر آید.

خواندن آن باشند، متوجه می‌شوند گرچه گاهی مطالب خسته کننده است اما بیشتر آنها نسبتاً قابل فهم است.

این کتاب هدفی فراتر از هدفهای سنتی تحقیق دارد. امیدوارم بتوانم در مقام مورخی اندیشه شناس بیان کنم که اسلام چگونه به این آموزه دست یافت و چرا این اندیشه در جوامع مختلف به صورتهای متفاوت درآمد. و در مقام مورخی جامعه شناس، مایلیم بدانم این سنت خردمندانه در جامعه‌ای که از آن نشأت گرفته بود و با آن ارتباط داشت و در زندگی مردم آن جامعه چه تحولی ایجاد کرد. و تعجب آور نیست اگر بگویم دستاورد من در این زمینه بسیار محدود است. گاه این محدودیت مربوط به دانسته‌های من می‌شود، برای مثال، هنگام مطالعه یک کتاب اگر خود را به خواندن فصل مربوط به نهی از منکر محدود نمی‌کردم، هرگز این نوشته به پایان نمی‌رسید. بدون شک این بدان معناست که در مواردی از شناخت دیگر آرای نویسندگان کتاب خودداری کرده‌ام. و گاه این محدودیت به منابع باز می‌گردد. مثلاً تأسف آور است که مایلیم اطلاعات زیادی درباره عالمان دوره‌های گذشته به دست آوریم و از دیگر مردمان - به جز حاکمان - بی‌خبر باشیم.^{۱۲} علاوه بر این، در این کتاب «عمل» تقریباً به طور ثابت به معنی «عمل» آن گونه که در منابع مکتوب اسلامی آمده، به کار رفته است. گاهی با محدودیتهایی روبه‌رو هستیم که معلول ابهام در میراث تاریخی است. و در مواردی اطلاعاتی بیش از آنچه برای آن دوران اسلامی مورد نیاز است در دسترس می‌باشد.

ساختار اصلی کتاب را در این زمینه باید مورد بررسی قرار داد. بخش اول کتاب بر پایه‌های توصیفی بنا شده است؛ هسته مرکزی آن تحلیل مطالب اصولی موجود در قرآن، تفسیرهای قرآن، حدیث و کتابهای رجال در شرح احوال مسلمانان قدیم است. بخش دوم به حنبلیان اختصاص دارد. دلیل این بحث مفصل، دلفریبی افکار آنان نیست، بلکه بیشتر فراوانی نسبی [xiv] مطالبی است که این عقیده را در عمل نشان می‌دهد. بخش سوم، به عکس، مربوط به گروههایی است که غنی‌ترین منابع برای تاریخ فکری این

۱۲ تعجبی نیست که بیشتر بحثهای این کتاب به رابطه بین عالمان و حاکمان برمی‌گردد.

وظیفه را ارائه کرده‌اند. یعنی معتزلیان، زیدیان و امامیان. بخش چهارم بقیه فرقه‌ها و مذاهب را در بر می‌گیرد و با فصلی همراه با جمع‌بندی کلی درباره اسلام اصیل و سنتی پایان می‌پذیرد. بخش پنجم گامی فراتر می‌نهد، و جایگاه نهی از منکر را در جوامع امروز اسلامی بررسی می‌کند؛ اما دامنه بحث محدود است و آن هم بدین سبب است که به جز زبانهای انگلیسی و عربی، تنها زبان اسلامی که من تا حدی با آن آشنایی دارم، فارسی و ترکی است. در دو فصل آخر کتاب به مسئله سابقه این وظیفه در قبل از اسلام پرداخته‌ام و مقایسه‌ای با فرهنگهای غیراسلامی از جمله غرب امروز به عمل آورده‌ام.

ساختار کتاب شاید کمتر از حجم آن نیاز به عذرخواهی داشته باشد. در دهه‌ای که به کار جدی در مورد این طرح پرداختم، شاهد افزایش نوشته‌های ماشین شده فراوان به همراه هشدارهای فزاینده‌ای بودم و کوششهای من برای خلاصه کردن این نوشته‌ها در مراحل نهایی با موفقیت کمتری همراه بود. تصور می‌کنم نتیجه کار من بزرگترین کتابی که تاکنون در زمینه «نهی از منکر» نوشته شده نباشد، زیرا این افتخار هنوز از آن زین‌الدین صالحی دمشقی (۸۵۶د) است.^{۱۳}

اما کتاب من ممکن است برای زمانی طولانی امتیاز بزرگترین کتابی را که به زبانی غربی نوشته شده، داشته باشد.^{۱۴} برای تسلی خاطر همکارانم لازم است یادآوری کنم که قصد ندارم دوباره کتابی با این حجم بنویسم.

یادآوری‌هایی در مورد قراردادهای آوانگاری و نقل قولها را می‌توان در آغاز بخش کتابنامه ملاحظه کرد. در صورتی که عبارتی از منبع دست اول را قبلاً محقق دیگری ارائه کرده باشد، در اکثر موارد این مطلب را تذکر داده‌ام.^{۱۵} هنگامی که به پانوشتی در کتاب

۱۳ ر.ک: پس از این فصل ۷، ۲۷۲. این کتاب در چاپ ریاض بالغ بر ۸۵۴ صفحه است.

۱۴ کتاب عربی دیگری در حجمی وسیع، کتاب دکتر عبدالعزیز احمد مسعود است (ر.ک: پس از این، فصل ۱۸، یادداشت ۱)؛ اما تا آن جا که من اطلاع دارم چند دوم این کتاب که وعده چاپ آن را داده بود هنوز منتشر نشده است.

۱۵ باید توجه داشت هنگامی که می‌گویم پیشتر محقق دیگری آن را ارائه داده است، الزاماً بدین معنی نیست او آن را از همان نسخه‌ای که من ارجاع داده‌ام نقل کرده است.

ارجاع می‌دهم، ممکن است در حقیقت اشاره به مطلبی باشد که پیش از این شماره مورد بحث در متن آمده است.

و بحثی فنی در پایان. گذشت زمان بیش از پیش روشن خواهد کرد که این کتاب محصول دوره‌ای است که متنهای اسلامی هنوز در لوحهای فشرده به صورت انبوه در دسترس نبود.

یاد و سپاس

[xv] تحقیقی که انگیزه نوشتن این کتاب شد، هنگامی آغاز گردید که من مقامی در بخش تاریخ مدرسه مطالعات شرقی و افریقایی دانشگاه لندن داشتم. اما بخش اصلی کتاب در سال ۱۹۸۶ و زمانی انجام گرفت که من در تعطیلات دانشگاهی به سر می‌بردم و به بخش مطالعات خاور نزدیک دانشگاه پرینستون پیوسته بودم. در مدت این دوره کاری، کمکهای مالی اندک، ولی راهبردی از طرف کمیته دانشگاهی تحقیقات علوم انسانی و اجتماعی دریافت کردم، که ابعاد خاصی از تحقیق را تأمین می‌کرد. در زمان یک نیمسال کامل مرخصی در بهار سال ۱۹۹۰ از کمکهای مالی سخاوتمندانه بنیاد گوگنهایم برخوردار بودم. در سال ۱۹۹۵ مستمری بگیر مؤسسه‌ای بودم که وقف پرداخت حقوق تابستانی محققان علوم انسانی بود.

مانند هر پژوهشگر دیگری در چنین عرصه‌ای برای تهیه کتابهای چاپی در زمینه کارم و همچنین تهیه میکروفیلم نسخه‌های خطی (که بسیاری از آنها تاکنون به چاپ رسیده است)، به بسیاری از کتابخانه‌های تحقیقاتی در کشورهای مختلف نیاز داشتم. برای نسخه‌های خطی، به ویژه سپاسگزار کتابخانه بریتانیا، کتابخانه دانشگاه لیدن، کتابخانه دولتی برلین، کتابخانه سلیمانیه استانبول و مکتبه الاسد دمشق می‌باشم. همچنین از پرونده‌های مرکز تحقیقات اسلامی اُسکودار* بهره برده‌ام و بر خود فرض می‌دانم از همکاری توفان بوز پینار و ایهان ایکوت در این مورد و در سایر موارد سپاسگزاری کنم. اما پایه تحقیقات من براساس مجموعه اسلامی بسیار ارزشمند کتابخانه فایرستون در

* İslâm Araştırmaları Merkezi, Üsküdar.

پرینستون و همکاری خوب کارمندانش بوده است (به ویژه از آقای آذر اشرف به خاطر همکاری اولیه‌اش در مورد مطالب فارسی سپاسگزاری می‌کنم).

نخستین شناخت من از نهی از منکر در اندیشه اسلامی مدیون گفت و گو با فریتس زیمرمان است، و نیز نخستین فرصت جمع‌آوری نظریاتی در این موضوع را مدیون ری متحده می‌باشم که در بهار سال ۱۹۸۵ در پرینستون، کنفرانسی در زمینه «عدالت و بی‌عدالتی در اندیشه سیاسی اسلام» برگزار کرد. در طول سالیان گذشته، بسیاری از مطالب این کتاب را چه در گفت و گوها و چه در سخنرانیهایی که در فرصتهای دانشگاهی پیش آمده بود، ایراد کرده‌ام [xvi] به ویژه پیش نویس فصل ۵ به صورت مکتوب با عنوان «از جاهلیت تا اسلام» که در پنجمین گردهمایی در ژوئیه سال ۱۹۹۰ در اورشلیم برگزار شد ارائه گردید.^۱ همچنین پیش نویسی از فصل ۱۴ در کنفرانسی که با عنوان «عقیده دینی و قدرت سیاسی اسلام»^۲ در مدرسه مطالعات عربی^۳ که در اکتبر ۱۹۹۱ در گرانا‌دا برگزار شد، ارائه گردید. از برگزارکنندگان محترم برای فرصتی که به من دادند تا این موضوع را با مخاطبان متخصص در میان بگذارم، سپاسگزاری می‌کنم.

محققان بسیاری با معرفی منابع و پاسخ به پرسشهایم به من کمک کرده‌اند و من کوشیده‌ام در جای خود از آنان سپاسگزاری کنم. برای یافتن منابع نخستین، خود را مدیون بسیم مسلّم و برای بسیاری از منابع دیگر خود را مدیون نوریّت سفیر و ماریبل فیرو می‌دانم. همچنین از همکارم شکرو هانی اوغلو به سبب مساعدتهای فراوانش سپاسگزاری می‌کنم. اگر همکاری آنان نبود، دستیابی من به انبوه منابع و مآخذ امکان‌پذیر نمی‌شد. عده‌ای از همکارانم پیش نویس بخشهایی از این کتاب را در مراحل مختلف خواندند و پیشنهادها و توصیه‌هایی ارائه دادند. نخستین مقاله من رساله‌ای

۱ خلاصه مطالب چند نظریه که در این پیش نویس آمده با تشکر از C.Gillot, "Islam et Pouvoir: la

commanderie du bien et l'interdiction du mal", *Communio*, (س. ژیلپو، «اسلام و قدرت: امر به

معروف و نهی از منکر»، ۱۶ (۱۹۹۱) تهیه شده است.

* "Saber religioso y poder político en el Islam".

** Escuela de Estudios Árabes.

درباره نهی از منکر بود که *إلا لاندو* - تا سرون آن را مطالعه و به دقت نقد و بررسی کرد. پیش‌نویس بخش ۲ را اتان کالبرک و اوری رویین مطالعه کردند. امانوئل سیوان پیش‌نویس اولیه فصل ۵ را بررسی کرد. پیش‌نویس فصلهای مربوط به حنبلیان را نمرود هورویتنس، فرانک استوارت، سارا استرومزا و نوریت سفریر بررسی کردند. پیش‌نویس فصل ۸ را فِرد دویانگ، فصل ۱۲ را شکرو هانی‌اوغلو، فصل ۱۴ را مارییل فیرو و فصل ۱۸ را هوشنگ شهابی مطالعه کردند. پیش‌نویس مقدمه و فصل ۱۹ از دید تیزین و فلسفی مارگرت گیلبرت گذشت. یاتریشیاکرون، جرالد هاوتینگ، اتان کالبرگ و اِورت روئن پیش‌نویس تمامی این تحقیق را مطالعه کردند.

همکارم، حسین مدرسی نیز کتاب را از آغاز تا انجام خواند، و برای منابع متعدد و مطالب بسیاری که ارائه کرد، و به طور جداگانه از آنها قدردانی نشده، و کمکهای بی‌دریغش در پاسخ به هر نوع سؤال که اگر او نبود بسیاری از این مطالب برایم نامفهوم می‌ماند، به طور خاص خود را مدیون او می‌دانم. بدون این کمکها کتاب بسیار ناقص‌تر از این می‌بود.

در طول نوشتن کتاب، راهنمایی‌های ارزشمندی از بخشهای متعددی دریافت کرده‌ام که نتوانسته‌ام همه آنها را به کار بندم، به ویژه در پایان کار مانند پنتیوس پیلات* مایل نبودم تجدید نظر دقیقی بر آنچه نوشته‌ام داشته باشم. بنابراین اگر در کتاب اشتباهی به جای مانده مسئولیت این نقص تنها با من است.

در حقیقت خود را بسیار مدیون همسر «کیم» می‌دانم که اگر کمک او نبود تدوین این کتاب [xvii] دو برابر این وقت می‌گرفت یا حجم آن نیمی از آنچه اکنون هست می‌بود (البته کوچکتر شدن حجم کتاب مایه تأسف او نبود).

و در آخر و نه کمتر از دیگران از لئارت ساندلین برای کوشش او در تهیه نمایه برای

* پنتیوس پیلات یا پیلطس، حاکم قدس از جانب رومیان در زمان مسیح بود. او عیسی مسیح را با وجود عدم تقصیر به یهود تسلیم کرد. رک: لغت نامه دهخدا؛ دایرة المعارف فارسی مصاحب، ذیل کلمه پیلطس؛ و انجیل یوحنا (۱۶/۱۹). م

۲۸ ● امر به معروف و نهی از منکر

چنین کتاب پرحجمی و همچنین از بخش دانشگاهی‌ام برای تأمین سخاوتمندانه هزینه چاپ این کتاب سپاسگزاری می‌کنم.

www.ketab.ir

